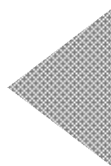


درنگی بر آسیب شناسی ابعاد نهادی توسعه مالزی



محمد جواد رنجکش^۱

(تاریخ دریافت ۹۸/۱/۲۸ - تاریخ تصویب ۹۸/۶/۵)

نوع مقاله: علمی مفهومی

چکیده

امروزه از مالزی به عنوان الگو یا نمونه کشوری توسعه یافته یا در حال توسعه شتابان یاد می شود؛ اما علیرغم اینکه مالزی در ابعاد مختلف به ویژه اقتصاد، پیشرفت های قابل ملاحظه ای را کسب کرده است شواهدی وجود دارد که به نظر می رسد توسعه مالزی نیم بند یا مبتلابه آسیب های چندی است؛ از همین رو این مقاله درصدد است؛ نگاهی آسیب شناختی را به توسعه مالزی (از چارچوب نظریه نهاد گرایی) داشته باشد؛ متناظر با این هدف، سوال اصلی پژوهش عبارت است از اینکه چالش های توسعه یافتگی مالزی از دیدگاه نظریه نهاد گرایی چیست؟ انگاره ابتدایی این است که به دلیل وجود عدم توازن قوای حزبی، دموکراسی ناقص، عدم استقلال رسانه ها و آسیب پذیری سیستم قضایی. مالزی از منظر نهاد گرایی برای دستیابی به توسعه با چالش رو به رو است. برای پاسخ گویی به سوال پژوهش، روش شناسی تحقیق این پژوهش، مبتنی بر پارادایم انتقادی و چارچوب نظری نهاد گرایی است و روش تحقیق نیز مبتنی بر تحلیل ثانویه و تکنیک گردآوری اطلاعات بر منابع کتابخانه ای وابسته بوده است.

کلید واژگان: مالزی، توسعه، آسیب شناسی، نهاد گرایی

مقدمه

در دنیای کنونی کمتر کشوری را می توان یافت که اشتیاق حرکت به سوی توسعه را نداشته باشد؛ از همین رو مبتنی بر این مفهوم، سیاستمداران دولت-ملت های فعلی نظام جهانی می کوشند کشور خود را بنا بر مقتضیات، شرایط و خصوصیات داخلی به سطحی از توسعه برسانند؛ اما بعضا در همان گام ابتدایی به دلیل فقدان درک فلسفی از این مفهوم، خواسته یا ناخواسته مسیری نادرست را برای حرکت به سوی توسعه لحاظ می کنند؛ البته پژوهشگران نیز در این چارچوب فکری دخیل هستند و سعی می کنند با نشر آثار خود بر ادعای دولت مردان مزبور صحه گذارند؛ اما توسعه علیرغم پیچیدگی و تا حدی عدم اجماع در مقابل مفهوم آن به نظر می رسد مقوم همگنی و برابری است و توجه کانونی آن بر روی برابری سازی موقعیت ها و به ویژه در دسترس همگان قرار گرفتن فرصت ها و شانس های زندگی است؛ این در حالی است که تجارب حاصل از کوشش های مربوط به توسعه تا به امروز در گوشه و کنار جهان، خلاف واقعیت این برداشت را نشان می دهد و از این رو این وضعیت، بازگوی ضرورت تجدید نظر در دلالت ها و مضمون واقعی توسعه است؛ چرا که اکثریت محققین نه تنها فرآیند توسعه را در قالب پیشرفت اقتصادی تبیین می نمایند بلکه جهت ارزیابی آن نیز تنها به پارادایم اثبات گرایی متکی می شوند؛ این در حالی است که بعد اقتصادی تنها بخشی از این مفهوم را به تصویر می کشد؛ چرا که توسعه چیزی جز افزایش دامنه اختیار و انتخاب انسان نیست؛ بر این اساس، هر چه گستره اختیار انسان بیشتر باشد؛ توسعه مندی او افزون تر است؛ با این توضیحات، یکی از این مصادیقی که عمدتا صاحب نظران از آن به عنوان یک کشور توسعه یافته یاد می کنند؛ مالزی است؛ این در حالی است که این کشور علیرغم اینکه در بخش های متعدد از جمله بعد اقتصادی پیشرفت های شگرفی را کسب کرده است اما به نظر می رسد برای دستیابی به توسعه صرف به معنای واقعی مفهوم، با چالش هایی مواجه باشد؛ از این حیث، این مقاله درصداست از منظر نهاد گرایی، چالش های توسعه مالزی را به تصویر کشاند. برای پاسخ گویی به سوال پژوهش، روش شناسی این پژوهش، مبتنی بر پارادایم انتقادی و چارچوب نظری نهاد گرایی و روش تحقیق نیز مبتنی بر تحلیل ثانویه و تکنیک گردآوری اطلاعات هم با بهره گیری از منابع کتابخانه ای صورت پذیرفته است.

۱- دیباچه نظری: نهادگرایی و توسعه

ما در جهان زندگی می کنیم که مفهوم توسعه چه به لحاظ فردی و چه لحاظ اجتماعی، وجهی بنیادی و اجتناب ناپذیر پیدا کرده است. بدون این مفهوم ظاهراً ما نه می توانیم درکی از خود و نه درکی از جهان پیرامون خود داشته باشیم؛ در تعاریف قدیم تر از توسعه عمدتاً بر یک بعد و آن هم بعد اقتصادی تاکید می شد؛ اما اکنون نگاه به توسعه محدود به یک بعد نمی باشد.

پس از ناتوانی تئوری های رشد اقتصادی و مهمترین آنها یعنی اقتصاد نوکلاسیک در تبیین رشد اقتصادی پایین و ناپایدار کشورهای فقیر و نیز گسترش نابرابری در سطح جهانی موج چهارم از تئوری های رشد در اقتصاد شکل گرفت که به مدل های نهادی و اقتصاد سیاسی از رشد معروف شدند (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۲). مهمترین انتقادهای این مکتب به نظریه نوکلاسیک ها به آثار منفی بویژه افزایش فاصله طبقاتی حاصل از توزیع نامناسب درآمدها همراه با افزایش تولید ناخالص داخلی و درآمد ملی معطوف بود. از دیدگاه این گروه در شرایطی که طی آن تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا کند و موجب افزایش رشد اقتصادی جامعه شود، عادلانه و منطقی نیست که قشر پایین جامعه بویژه طبقه کارگری سهم عادلانه خود را از این افزایش درآمد دریافت نکند (دهقان و محنت فر، ۱۳۹۳: ۴۲). مکتب اقتصادی نهادی با توجه به اینکه به زیرساخت های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه توجه ویژه دارد بعنوان پایه اصلی اقتصاد توسعه مطرح است. یکی از دلایل این امر، مطرح شدن بحث سرمایه اجتماعی از اوایل دهه 1990 بود؛ در واقع با توجه به اینکه نهادها از عوامل مهم ایجاد سرمایه اجتماعی هستند، بحث نهادها مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت (باصری و میرفردی، ۱۳۹۳: ۱۲۱) تا جایی که می توان ادعا کرد امروزه الگوی نهادی توسعه، دقیق ترین و متاخرترین الگوی توسعه مورد نظر اقتصاددانان است (کلانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۷) با این تفاسیر مکتب نهادگرایی، حوزه بررسی خود را بسیار فراتر از اقتصاد مرسوم در نظر گرفته و اقتصاد را فقط شامل بازار نمی داند، بلکه بازار را نوعی نهاد تعریف می کند که خود متشکل از تعداد نهادهای فرعی است و با سایر مجموعه های نهادی مانند: فرهنگ، دولت، مقررات، ایدئولوژی و... ارتباط دارد؛ اصل اساسی نهادگرایی بر این حقیقت استوار است که بازار به تنهایی تنظیم کننده توزیع و تخصیص بهینه منابع نمی باشد؛ بلکه این ساختار سازمان نهادی و قدرت در جامعه است که تخصیص منابع را صورت می دهد و یا به جای اینکه قیمت و توزیع کالاها و خدمات را تابعی از نظام عرضه

و تقاضا در یک بازار مفهومی صرف بدانند؛ نظام عرضه و تقاضا را تابعی از ساختار قدرت، ثروت و نهادها می‌داند (باصری و میرفردی، ۱۳۹۳: ۱۲۲) به عقیده اقتصاددانان نهادگرا، تفاوت کشورها در سرمایه انسانی، سرمایه فیزیکی و تکنولوژی تنها عوامل مستقیم و سطحی تعیین کننده رشد و توسعه جوامع اند. در حالی که نهادها عامل عمیق تر یا بنیادین تعیین کننده رشد و توسعه جوامع می‌باشند؛ از این رو با شناخت این عوامل بنیادین است که می‌توان چارچوبی را برای ارایه توصیه‌ها و سیاستی طراحی نمود که این چارچوب‌ها فراتر از توصیه‌ها و دستورالعمل‌هایی همانند پیشنهاد بهبود تکنولوژی در یک کشور می‌باشد که به واسطه آن می‌توان خطر نتایج منفی ناخواسته بالقوه این سیاست‌ها را به حداقل ممکن رساند (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۳).

از نظر آندره هیوود، نهاد گرایی به عنوان رهیافتی در تجزیه و تحلیل سیاسی، کوششی برای معنا بخشیدن به واقعیات از طریق مطالعه علل و نتایج نهادهای سیاسی است؛ از این رو، وی نهادها را بازیگرانی سیاسی، مستقل و تاثیر گذار بر نیروهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌داند؛ وی معتقد است نهاد مجموعه‌ای پایا و باثبات از ترتیباتی است که رفتار فردی و گروهی را بر مبنای قوانین و رویه‌های ایجاد شده تنظیم می‌کند؛ هیوود از قوانین اساسی، انتخابات، پارلمان‌ها، سازمان‌های اداری (بوروکراسی‌ها)، قوه قضائیه، سیستم‌های حزبی و .. به عنوان نمونه‌های نهادهای سیاسی یاد می‌کند (هیوود، ۱۳۸۷: ۱۱۵) عده‌ای دیگر که رویکرد سازمانی به نهاد دارند؛ شکل ویژه‌ای به مفهوم کلی نهاد می‌دهند که طرح‌های سازمانی و رویه‌ای و چارچوب‌های مقرراتی خاص را شامل می‌شود؛ طرح‌هایی مانند استقلال بانک مرکزی، اطلاعات بودجه‌ای متوازن شده، طرح توافقات تجاری بین‌المللی و .. در این طیف از تعاریف نهادی می‌گنجد (عیسی زاده و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۶) از طرف دیگر نهادها، صرفاً نهادهای اقتصادی نیستند؛ بلکه نهادهای اجتماعی و سیاسی هم هستند و مهم‌ترین که این نهادها، تنها نهاد‌های رسمی مانند قانون اساسی نیستند؛ بلکه نهادهای غیر رسمی مانند عادات و عقاید مختلف هر جامعه نیز هستند (کلائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۷) به طور مصداق قانون اساسی یک کشور نمونه‌ای از نهاد‌های سیاسی است که در آن ساختار کلی نهادهای سیاسی تعریف شده است؛ از جمله: نحوه انتخاب سیاستمداران و انتقال قدرت به آنها را توصیف می‌کند به گونه‌ای که ممکن است قدرت را به یک رئیس‌جمهور که به طور دموکراتیک انتخاب شده است بدهد یا به یک دیکتاتور؛ از این رو نهادهای سیاسی شامل نوع حکومت، قدرت تخصیص داده شده و

محدودیت های اعمال شده روی سیاستگذاران و نخبگان سیاسی است؛ نهادهای اقتصادی مانند حقوق مالکیت شکل دهنده محیط اقتصادی هستند که افراد و شرکت ها در آن فعالیت می کنند؛ نهادهای اقتصادی خود، توسط نهادهای سیاسی و به طور کلی تر توسط نهادهای اجتماعی شکل می گیرند؛ از طرف دیگر نیز آموزش، بهداشت، حمایت از شهروندان فقیر و ناتوان از تحصیل درآمد مورد قبول برای زندگی، آداب و رسوم و ارزش ها از جمله نهادهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی در یک جامعه می باشند که در شکل دادن به محیط اقتصادی کشور نقش مهمی را بر عهده دارند (عیسی زاده و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۶) با این اوصاف، هنوز تعریف کامل، مشخص و پایدار از نهاد وجود ندارد از همین رو انتخاب شاخص های نهادی مناسب برای بررسی تأثیر نهادها در توسعه یکی از چالش های اندیشمندان محسوب می گردد؛ به همین منظور در سالیان اخیر رشد چشمگیری در مورد شاخص سازی و در پیامد آن اندازه گیری نهادهای کشورها ایجاد شده است؛ از جمله شاخص های مهم نهادی که تاکنون طراحی شده اند را می توان به شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتج، شاخص آزادی اقتصادی بنیاد فریزر، شاخص های حکمرانی خوب بانک جهانی، شاخص های سهولت کسب و کار، داده های پلیتی، شاخص آزادی های مدنی خانه آزادی و شاخص راهنمای ریسک بین المللی کشورها (ICRG) اشاره کرد. به طور مصداق شاخص راهنمای ریسک بین المللی کشورها شامل رتبه بندی 22 متغیر در سه زیر گروه مختلف، ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی است (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). یا شاخص حکمرانی خوب بانک جهانی معرف عواملی از جمله: حق اظهار نظر و پاسخ گویی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد، کیفیت بوروکراسی و اثر بخشی دولت است.

نکته شایان اهمیت دیگر آنکه اقتصاددانان مکتب نهادی از گرایش به فردگرایی محض و دیدگاه های اقتصاد خرد مانند تکیه بر نظریه قیمت ها، تخصیص بهینه منابع و تاکید بر ایجاد سیستم تعادل از طریق امور مالی عناصر بازار اجتناب کرده و علاوه بر پذیرش بخشی از مباحث اقتصاد متعارف به مباحث ارزشی و لزوم تشکیل سازمانها و نهادها به منظور دستیابی به بهترین نتیجه اقتصادی تاکید می کنند (دهقان و محنت فر، ۱۳۹۳: ۴۷). در واقع نهادها به ارزش ها و فرایندهای ارزشیابی هنجاری، مشروعیت می بخشند و آنها را موجه می سازند. توجه به مباحث توسعه پایدار مانند مباحث زیست محیطی، میزان رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی بجای توجه صرف به مباحث کوتاه

مدت مانند رشد از ویژگی های اصلی جوامع امروزی است که متأثر از نهادگرایی جدید در عرصه تکاملی آن یعنی اقتصاد توسعه است.

اما علیرغم پیچیدگی در تعریف مفهومی نهادها؛ در زمینه نحوه اثر گذاری نهادها بر روی توسعه نیز دیدگاه یکسانی بین اندیشمندان وجود ندارد؛ از این منظر تعدادی از اقتصاددانان نهادگرا، معتقدند نهادها از آن حیث مهم اند که سبب ساختارمند شدن انگیزه های نهفته در مبادلات بشری می شوند. از همین رو مهم ترین کارکرد نهادها کاهش عدم اطمینان و هزینه های مبادله در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع است؛ نهادها با حمایت از حقوق مالکیت، تضمین اجرای قراردادها، ارتقا انگیزه های کارآفرینان، حفظ ثبات در سطح کلان اقتصادی، مدیریت ریسک پذیری و خطر جویی واسطه های مالی، کاهش نا اطمینانی و تقلیل هزینه معاملات، ارائه شبکه های تأمین اجتماعی و ارتقا پاسخگویی و انتقادپذیری حاکمان، مجموعه هایی از شرایط و بسترهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی را فراهم می کنند که در درون آن، افراد جامعه به کسب و انباشت مهارت و بنگاه های اقتصادی به انباشت سرمایه و تولید محصول می پردازند (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۲-۴). عده ای دیگر نیز این تاثیر را به شکل دیگر ترسیم می کنند: به طوری که فعالیت جمعی منافی را برای جامعه در پی دارد که با عمل فردی حاصل نمی شود؛ بنابراین، ابتکارات عمل جمعی موفقیت آمیز می تواند به عنوان بهبود دهنده رفاه به حساب آید؛ اما این عمل جمعی در کنار منافع، هزینه هایی مانند رفتار فرصت طلبانه و سواری مجانی را در جهت حداکثر سازی منافع شخصی نیز در بر دارد و برای کاهش هزینه ها ابزار های اجتماعی نیاز است که نهاد ها ابزار مناسبی برای این منظور محسوب می شوند چرا که نهادها به حل مسائل مربوط به هماهنگی برنامه کارگزاران، به ارتقای رفتارهای مشارکتی و ماورای فرصت طلبی کمک می کنند و پیامد خارجی کارگزاران را درونی کرده و همچنین باعث کاهش نا اطمینانی در فعالیت ها می شوند. نهادها همچنین از تکوین سرمایه اجتماعی و از تجربه عمل جمعی تاریخی که به نوبه خود بر احتمال پذیرش فعالیت جمعی اثر مثبت دارد؛ حمایت می کنند؛ اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سه ویژگی کلیدی رفتار انسانی هستند که تمایل به ایجاد مشارکت و تداوم آن در طول زمان را تحت تاثیر قرار می دهند؛ رابطه مدور بین اعتماد، اعتبار و رفتار متقابل سطح مشارکت بین افراد را افزایش می دهد؛ بنابراین زمینه را برای قوه ابتکار فعالیت جمعی مهیا می کند؛ در این زمینه نهادها قادر به ایجاد مجموعه درستی از انگیزه ها

بوده که می‌توانند برقراری رابطه دایره وار بالا را تسریع کرده و گسترش رفتارهای مشارکتی را تسهیل و معجز نمایند (عیسی زاده و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۶-۷) عده ای دیگر بر اساس دیدگاه نهادگرایی جدید معتقدند، نوع حکمرانی، مقررات و نهادهای یک کشور از جمله عوامل اولیه و اصلی تعیین کننده انگیزه ها و تمایلات افراد برای سرمایه گذاری فیزیکی و کسب مهارت و فناوری در جامعه است که همه این عوامل منجر به درآمد بالاتر و رفاه اقتصادی بهتر در بلندمدت می‌شوند (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۲-۴). به عبارتی اقتصاددانان نهادگرای جدید بر این عقیده هستند که مشکلاتی که در حکمرانی‌ها وجود دارد، ناشی از نبود خط‌مشی‌های توسعه‌ای مناسب نیست، بلکه برای گذر از حکمرانی بد و رسیدن به حکمرانی خوب، باید به سازوکارهای نهادی توجه کرد. زیرا این سازوکارهای نهادی هستند که می‌توانند سودمند واقع شدن خط‌مشی‌های توسعه‌ای مناسب را تضمین کنند (هفته نامه تجارت فردا، ۱۳۹۶) برخی از محققان عدم توسعه یافتگی کشورها را از چارچوب نهاد گرایی و مبتنی بر رویکرد تضاد اجتماعی و ایدئولوژی تحلیل می‌کنند؛ از چشم انداز این اندیشمندان، نهادها همیشه توسط جمع و کل جامعه انتخاب نمی‌شوند بلکه توسط گروه‌هایی انتخاب می‌شوند که کنترل قدرت سیاسی را در دست دارند (شاید در نتیجه تضاد با گروه‌های دیگر) این گروه‌ها، نهادهایی را انتخاب می‌کنند که حداکثر کننده منافع شخصی خود یا گروه مایل به خود باشند؛ بنابراین نهادهایی که انتخاب می‌شوند منافع کل را جامعه را در نظر نمی‌گیرد؛ یا اینکه جوامع با ایدئولوژی‌های مختلف ممکن است نهاد‌های متفاوتی با استدلال‌های متفاوت ایجاد کنند که دربرگیرنده منافع کل جامعه نباشد و در نهایت کشورها را از توسعه یافتگی دور سازند (عیسی زاده و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۸-۷)

بنابراین در دانش توسعه، تغییر جهت تمرکز به سمت نهادها طیفی از ملاحظات جدید را در تحلیل توسعه به دنبال خود مطرح می‌کند؛ ترجیحاتی که وابسته به اعتقادات و انتظارات هستند و در برداشت‌های فرهنگی مشترک ریشه دارند (کلائی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۸). اما اگر چه از دید نظری، نهادها با توسعه ارتباط دارند؛ اما بحث بر سر این است که چه شاخص‌هایی به درستی ساختارهای نهادی کشورها را با درجه توسعه یافتگی متفاوت منعکس می‌کنند؛ آیا نگاه صرف اثبات گرایی به حوزه مسائل نهادگرایی توسعه ما را به حقیقت می‌رساند؟ مطالعات اندیشمندان در برخی نمونه‌ها خلاف این را نشان داده است؛ به طور مثال اگر شاخص ثبات

سیاسی را برای اندازه گیری کیفیت نهادی محاسبه کنیم؛ آنگاه تمام کشورهای که دارای حکومت های دیکتاتوری هستند مانند جمهوری کنگو رتبه های بالایی می گیرند؛ در صورتی که این کشورها از نظر دستگاه قضایی، اجرای قانون، حقوق مالکیت و.. دارای وضعیت مناسبی نیستند (شاگری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۶)؛ از همین رو در این پژوهش سعی بر این بوده است که بیشتر از بعد کیفی بر مسائل تمرکز گردد؛ چرا که همه حقایق از طریق آمار و ارقام قابل انعکاس نیست.

۲- پیشینه تحقیق

به طور کلی محققین داخلی تاکنون از زوایای مختلفی به پژوهش درباره توسعه مالزی مبادرت ورزیده اند اما جستجوی محقق در پایگاه استنادی مختلف زبان فارسی، درباره اثری که در آن توسعه مالزی را به چالش کشیده باشد؛ بی نتیجه ماند؛ اما در مقابل آثار زیادی را می توان یافت که از مناظر مختلف به مفهوم توسعه در مالزی نگریسته اند؛ به عبارت دیگر با توجه به بهبود و پیشرفت مالزی در حوزه اقتصادی و به ویژه در سالیان اخیر؛ هریک از پژوهشگران سعی کردند از زوایای مختلف به عواملی که موجب این دستاورد شده است؛ پردازند؛ اما همانگونه که پیشتر نیز متذکر شدیم؛ قرائت مفهوم توسعه از نظر اکثریت صاحب نظران به بهبود وضعیت اقتصادی گره خورده است؛ این در حالی است که بعد اقتصادی تنها بخشی از توسعه را در برمی گیرد و نه تمامی ابعاد را؛ با این حال در یک نگاه کلی بخشی از پژوهش های که به توسعه مالزی پرداخته اند شامل موارد زیر می باشند: حسین رفیع و میثم بلباسی در پژوهشی تحت عنوان چگونگی توسعه در مالزی نوین (با رویکردی بر نظریه دولت توسعه گرای آدریان لفت ویچ) به بررسی عوامل و نگرش سیاست های مالزی در توسعه سریع این کشور می پردازند؛ این محققین در یافته های خود به اتخاذ سیاست دولت توسعه گرا و استراتژی هایی همچون صنعتی شدن، خصوصی سازی، توسعه صادرات، ثبات اقتصادی، سرمایه گذاری خارجی، تاثیر پذیری از الگوی توسعه ژاپن، اقتصاد مبتنی بر دانش، توسعه تکنولوژی ملی، مدیریت و تصمیم گیری های دولت، بالابردن بهره وری اقتصاد، برنامه ریزی اقتصادی، توسعه ملی و فناوری اطلاعات و ارتباطات و.. اشاره می کنند (رفیع و بلباسی، ۱۳۹۱: ۷۰). فائزه مرادی حقیقی و سید احمد موثقی گیلانی نیز در پژوهشی تحت عنوان کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی

مالزی به اهمیت مذهب در جهت پیگیری اهداف توسعه و رعایت توازن و تعادل در برنامه ریزی های مربوط به آن می پردازند؛ یافته های این محققان نشان می دهد که آگاهی موثر سیاست گذاران مالزیایی از سنت های مطلوب فرهنگی در چارچوب مذهب، زمینه ساز ارتقای سطح فکری جامعه و شکل گیری فرهنگ مطلوب توسعه گردیده است (مرادی حقیقی و موثقی گیلانی، ۱۳۹۴: ۶۹). رضا شیرزادی نیز در مقاله ای تحت عنوان دولت و توسعه سیاسی در مالزی به بحث پیرامون چگونگی فرآیند توسعه و به خصوص توسعه سیاسی و دموکراسی در این کشور در سال های نخست وزیری ماهاتیر محمد می پردازند؛ یافته های پژوهش وی نشان می دهد که مواردی همچون اصلاح ساختار مدیریت توسعه اقتصادی و نظارت دولت، راهبرد توسعه صادرات، خصوصی سازی، سرمایه گذاری خارجی و بسیج منابع داخلی، الگو قرار دادن ژاپن و کره جنوبی و تعامل فعال با سایر کشورهای جهان از عوامل موثر در توسعه مد نظر وی از مالزی بوده اند البته وی اذعان دارد اگر چه سیاست مالزی مثل ممالک توسعه یافته، دموکراتیک نیست اما رو به سوی دموکراسی دارد و در حال نزدیک شدن به آن می باشد (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۵۳).

محمد فاضلی و معصومه محمدیان نیز در چارچوب پژوهشی تحت عنوان تحول نقش دولت در صنعتی شدن: بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و مالزی، تفاوت های حاصل از مداخله دولت در توسعه صنعتی در دو کشور ایران و مالزی را مورد بررسی قرار می دهند؛ در حقیقت این پژوهشگران تفاوت های دو کشور در توسعه صنعتی را با توجه به قابلیت های حکمرانی خوب و سیر تکوین این قابلیت ها در بستر دو جامعه مطالعه کرده و نقش تاثیر میراث نهادی بر ظرفیت خط مشی گذاری، ظرفیت اجرا و ظرفیت دولت را نشان می دهند؛ به صورت خلاصه این پژوهشگران ساز و کارهایی را به تصویر می کشند که طی آن، مداخله موفقیت آمیز دولت در توسعه صنعتی مالزی تحت تاثیر کیفیت حکمرانی و در تعامل با بسترهای اجتماعی صورت گرفته است (فاضلی و محمدیان، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

۳- پیشینه توسعه مالزی

مالزی از هنگامی که نخستین برنامه پنج ساله اقتصادی و اجتماعی خود را که مسیر توسعه ملی را تعیین می کند آغاز کرده، راه درازی را طی نموده است. ماهاتیر محمد از آغاز تصدی پست نخست وزیری برنامه های اقتصادی کشور را با تکیه بر سیاست نگرش به شرق و الگو قرار دادن

ژاپن و کره جنوبی به عنوان نمونه های موفق از پیشرفت اقتصادی پی ریزی نمود (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۵۴). سه کشور تایلند، مالزی و اندونزی به همراه سایر کشورهای شرق آسیا در طول سه دهه گذشته، یک رشد اقتصادی بطور متوسط ۶ تا ۸ درصد در سال را تجربه کرده اند. از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۳ رشد اقتصادی مالزی بطور متوسط حدود ۱۰ درصد بود؛ در حالیکه تورم بطور متوسط تک رقمی بود. همچنین از سال ۲۰۰۰، این کشور تورم متوسط کمتر از ۳ درصد را تجربه کرد و تولید ناخالص داخلی این کشور از ۲۴ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ و ۱۶۱ میلیارد دلار صادرات در همین سال رسید (نامه اتاق بازرگانی، ۱۳۹۳). همچنین میزان میانگین شاخص درآمد در کشور مالزی در دوره اول (۲۰۰۸-۲۰۰۴) برابر با ۷۸۴ بوده و این میزان در دوره دوم (۲۰۱۳-۲۰۰۹) به ۸۰۳ افزایش پیدا کرده است که نشان از افزایش ۱۹٪ واحدی آن دارد. همچنین بلحاظ شاخص درآمد سرانه این کشور درآمد سرانه ۲۰۴۱۴ دلاری را در سال ۲۰۱۳ تجربه کرده است (حیدری و کرمی، ۱۸-۱۷: ۱۳۹۴). مهمترین ویژگی توسعه مالزی پارامتر ریزی اقتصادی این کشور می باشد. از سال ۱۹۷۱، برنامه ریزی در مالزی وارد مرحله جدیدی شد. حوادث سال ۱۹۶۹ موجب گردید که دولت «سیاست جدید اقتصادی» را در جهت جواب گویی به عدم تعادل های اقتصادی و اجتماعی مالزی پی ریزی کند. واقعه ۱۹۶۹ نشان داد که تاکید صرف بر رشد اقتصادی نمی تواند جواب کافی به عدم تعادل های اقتصادی-اجتماعی جامعه مالزی باشد و لذا هنگام تنظیم سیاست جدید اقتصادی به این نکته توجه شد که هرگونه کوشش برای توسعه که نتواند به رفع عدم تعادل های اقتصادی-اجتماعی موجود میان گروه های نژادی و ایجاد برابری بین آنها کمک نماید، مطلوب نبوده و نمی تواند امنیت ملی کافی را تامین نماید. لذا «سیاست جدید اقتصادی» با اهداف دوگانه تحکیم مبانی وحدت ملی و از میان بردن فقر و ایجاد تعادل بین گروه های نژادی پایه ریزی شد (رفعی و بلباسی، ۱۳۹۱: ۸۴).

اقتصاد مبتنی بر دانش ویژگی دیگر مدل توسعه مالزی است. هدف اصلی اقتصاد مبتنی بر دانش، تسهیل تغییر استراتژی رشد مبتنی بر نهاده، به استراتژی رشد مبتنی بر بهره وری، اصلی ترین ابتکار برنامه دولت مالزی بوده است. اقتصاد دانش محور با مشارکت در بهبود بهره وری و همچنین ایجاد فرصت هایی جدید و ناب برای سرمایه گذاری، منجر به ایجاد فرصت های لازم برای رشد اقتصادی بلندمدت می گردد (امینی، ۱۳۸۹: ۳). خصوصاً سازی نیز به عنوان امری که

دارای بن مایه های اجتماعی می باشد از خصوصیات دیگر راه رشد مالزی است. این کشور سالانه در حدود ۲۴ میلیارد دلار به سبب خصوصی سازی پس انداز می کند. بنابراین، پس اندازها در اثر افزایش مالیات یا کند شدن توسعه کشور پدید نمی آید، بلکه حاصل خصوصی شدن ۱۲۰ نوع فعالیت دولتی در دوره پس از سال ۱۹۸۲ است (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۶۴). ماهاتیر محمد در مارس ۱۹۸۳ مقاصد دولتش را برای گسترش و اجرای ایدئولوژی خصوصی سازی تحت تاثیر سیاست های مدیریت اقتصادی انگلستان و امریکا اعلام نمود.

سرمایه گذاری خارجی و نرخ رشد بالای پس انداز از زمره دیگر ابتکاراتی است که معمار نوین مالزی یعنی ماهاتیر محمد با وضع قوانین شفاف، مصلحت اندیشی هایی برای مجوزهای تولیدی، مالیات مشارکتی، مهاجرت، بانکداری، امور دارایی، موافقت نامه های تضمین سرمایه گذاری و پایین نگه داشتن نرخ تورم موفق به تحقق آن در این کشور شده است. در زمینه صنعتی شدن به مثابه شاخص دیگر توسعه مالزی، سیاست صنعتی شدن مالزی از سال ۱۹۶۵ و در پاسخ به کاهش رشد صنعتی و جدایی سنگاپور صنعتی شده، در پیش گرفته شد. در سال ۱۹۷۰ در خلال سیاست اقتصادی نوین، رویه صنعتی بیشتر به سود شرکتهای دولتی بود. در واقع، دولت به دنبال صنایع کاربر و ایجاد اشتغال بود و سیاست های صنعتی آن از لحاظ اقتصادی هنوز برای بخش خصوصی جذابیت نداشت. در مالزی مداخله صنعتی شدید با شکست مواجه شد و سیاست آزادسازی دنبال گردید. صنایع سنگین تحت نفوذ دولت در مالزی با کسری های مالی فزاینده و عدم کارایی روبه رو شدند و لذا دولت مالزی سیاست عدم مداخله و آزادسازی صنایع و در نهایت خصوصی سازی را در پیش گرفت (ولی بیگی، ۱۳۸۸: ۱۴). بهره وری بالای اقتصاد، ثبات اقتصادی و توسعه صادرات، توسعه ملی فناوری اطلاعات و ارتباطات با ایجاد بسترهای مدیریتی، حقوقی، فنی و نیروی انسانی، توسعه تکنولوژی ملی را باید از دیگر ویژگی های مالزی مدرن دانست.

آنچه در جریان تحول مالزی از یک کشور توسعه نیافته به کشوری مدرن مغفول مانده، روی دیگر سکه توسعه در برابر رشد اقتصادی است. همانگونه که گفته می شود اقتصاد مالزی از اواسط دهه ۱۹۸۰ لیبرالی شد. سرمایه خصوصی رواج یافت فخصوصی سازی گردش های مالی تقویت شدند و دخالت مستقیم دولت در اقتصاد، با اتکاء خط مشی ها، با برهم زدن نظم موجود و لیبرال شدن کاهش یافت (گومز و جومو، ۱۹۹۹). در نظریه های نهادگرایی با تکیه بر ابعاد انسانی

و اجتماعی زندگی اجتماعی، تحول و تکاملی توسعه خوانده می شود که در کنار مولفه های اقتصادی، شاهد فرگشت ارزشی و پایای حیات انسانی نیز باشیم. از اینرو با انتخاب پاره ای از شاخصه های توسعه در این مکتب، به بررسی آنها در مالزی پرداخته می شود.

۴- یافته های پژوهش

۱-۴: دموکراسی ناقص یا سهمیه ای:

دموکراسی یا مردم سالاری اگر چه یکی از پر کار برد ترین واژه های سیاسی - اجتماعی قرن گذشته و حال حاضر می باشد اما هنوز تعریف جامعی از آن ارائه نشده است؛ با این حال وسیع ترین معنای دموکراسی، برابری فرصت ها برای افراد یک جامعه به منظور برخورداری از آزادی ها و ارزش های اجتماعی است و محدود ترین معنای آن شرکت آزادانه افراد در گرفتن تصمیم های سیاسی مهم جامعه است؛ اما این کلمه امروزه تنها در قالب سیاست قرار نمی گیرد بلکه خارج از حدود سیاست به صورت دموکراسی اجتماعی و یا دموکراسی اقتصادی و.. نیز به کار گرفته می شود (زاهدی، ۱۳۸۵: ۵۴) مبتنی بر این توضیحات، رسیدن به یک دموکراسی واقعی در جوامع چند گانه همچون مالزی بسیار دشوار می باشد؛ نطفه جامعه چند قومی مالزی از مهاجرت چینیان و هندیان در قرن نوزدهم به دلیل سیاست استعماری انگلیس نشئت می گیرد؛ که این مسئله زمینه تعدد قومی و تنوع فرهنگی در مالزی کنونی را دامن زد؛ در این دوره بریتانیا سعی در بهره برداری قلع از معادن مالزی و همچنین کشت و وسیع کائوچو در مزارع را دارد (مجله تازه های اقتصاد، ۱۳۶۸: ۳۶)؛ از این رو به دنبال کمبود نیروی انسانی ناشی از عدم تمایل مالایی ها به انجام فعالیت در شرایط سخت (مسائلی، ۱۳۷۵: ۶۰-۶۱) و از سوی دیگر دستمزد پایین، مهاجرت هدفمند چینی ها و هندیان را در دستور کار خود قرار می دهد؛ این شرایط نه تنها موجب اختلاط قومی در مالزی گردید بلکه سبب شد از همان ابتدا، چینی ها به حیث اقتصادی وضعیت بهتری را نسبت به جمعیت بومی برخوردار باشند، از همین رو بعد از استقلال مالزی بر اساس یک سیاست غیر مدون توافق بر این شد که ملایوها دارای قدرت سیاسی باشند و چینی ها قدرت اقتصادی را در دست بگیرند؛ اما این طرح از سوی هیچ کدام مورد پذیرش قرار نگرفت به طوری که مالایا ها خواهان قدرت اقتصادی بیشتر و در مقابل چینی ها خواستار قدرت سیاسی بیشتر بودند؛ تشنج این مسائل، زمینه شورش های سال ۱۹۶۹ را به وجود آورد؛ پس از این

تنش ها، دولت مالزی تلاش می کند با ایجاد ثبات سیاسی در کشور؛ بدون اعمال کاهش سهم سیاسی قدرت مالایوها، توازن اقتصادی بین چینی تبارها و ملایوها را از طریق ارایه امتیازات مختلف، اصلاح نماید (اتاق بازرگانی، ۱۳۸۰: ۱۸). با این تفاسیر نمود دموکراسی در مالزی و به تعبیر لیفارت، دموکراسی چند قومی مالزی، منبای آن جذب فرهنگی قومیت های گوناگون کشور است به جای تسهیم و کاربست الگوی شراکتی قدرت، به طرزی قابل قبول و با به کار بردن نوعی تبعیض مثبت به نفع مالایی ها از الگوی کنترل بهره می گیرند که در آن نوعی ارتباط نامتقارن برقرار می شود که قدرت برتر یعنی مالایی ها با مفید کردن دیگر گروه های قومی باعث ایجاد ثبات می شوند (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۱: ۱۰۴) اما اعمال این تبعیض تنها در فرصت های اقتصادی خلاصه نمی شود؛ بلکه دامن سایر فرصت ها را نیز گرفته است به طوری که قانون اساسی مالزی، دربردارنده بسیاری از بندهایی است که حافظ حقوق مالایی ها است که از نفوذ چینی ها نگران هستند. ماده مهم ۱۵۳ قانون اساسی مالزی، سهمیه مالایوها در دولت و آموزش و خدمات را تضمین می کند؛ به طور مصداق در پذیرش دانشگاه ها؛ مالایی ها از سهم نابرابر ۵۵٪ در مقابل چینی ها و هندیان برخوردارند؛ این سهمیه نابرابر موجب گردیده که شمار فراوانی از مالایی ها علیرغم معدل پایین و نزدیک به مردودی بتوانند به دانشگاه مورد علاقه خود بروند؛ در صورتی که چینی تباران با معدل ها بالا پشت درهای دانشگاه می مانند؛ اگر چه ماهاتیر محمد در سال ۲۰۰۲ سعی نمود این قانون را به نحوی اصلاح نماید که افراد تنها به دلیل نژادی خود وارد دانشگاه نشوند؛ منتهی نگرانی مالایی ها از اعمال قانون شایسته سالاری جذب دانشجو به جای سهمیه بندی؛ دولت را به مجبور به عقب نشینی کرد؛ به طوری که دولت تصریح کرد که ساختار سهمیه بندی به جای خودش باقی خواهد ماند؛ اما به کارگیری ساختار شایسته سالاری را نیز به طور همزمان اعلام خواهد نمود؛ با این حال چگونگی اجرای این قانون در پذیرش دانشگاه مالزی هنوز به درستی مشخص نیست (ذاکر صالحی، ۱۳۹۱: ۱۰۹) ترس از همین تبعیض ها منجر گردیده غیر مالایی ها به بخش خصوصی رغبت بیشتری نشان دهند و در مقابل مالایی ها عمدتاً به سوی مشاغل دولتی جذب شوند (Noh, 2016: 6) از طرف دیگر در بهره برداری از فرصت های سیاسی؛ بزرگترین مقام اجرایی در مالزی در دست نخست وزیر است از این رو اگر چه در انتخابات مالزی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای سایر اقلیت ها محفوظ شده است؛ اما مقام نخست وزیری تنها در دست ملایوها است. بنابراین آنچه که به

وضوح قابل برداشت است از نگاه جامعه شناسانه هنوز مالایی ها، هندیان و چینی ها را به عنوان اتباع خارجی قلمداد می کنند به عبارت دیگر هنوز چینی ها و هندی ها توانسته اند در جامعه مالزی به درستی ادغام شوند به طوری که در انتخابات سال ۲۰۱۳ مالزی علیرغم اینکه نجیب تون رزاق به پیروزی می رسد؛ اما به دلیل کرسی های از دست داده مجلس ناشی از فعالیت موفق حزب چینی مخالف دولت یعنی (DAP) نسبت به این پیروزی واکنش نشان داده و از آن با نام سونامی چینی یاد می کند در حقیقت اصطلاح به کار گرفته در همین چارچوب قابل تفسیر می باشد (رجبی، ۱۳۹۲: ۶۲). بنابراین دموکراسی مالزیایی بر اساس نوعی برتری نهادینه شده مالایی در جامعه ای چند نژادی، چند فرهنگی و چند زبانی استوار شده و قدرت سیاسی به عنوان تعیین کننده ترین وجه اداره عمومی جامعه، بیشتر به مالایی ها سپرده شده است و غیر مالایی ها از چنان قدرتی برخوردار نیستند (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۱: ۱۰۰).

۲-۴: آزادی های مدنی ضعیف و تحت کنترل:

آزادی های قانونی، وجود نهادهای مدنی و انتشار آزاد اطلاعات که مصادیقی از وجود اظهار نظر و پاسخ گویی هستند؛ موجب تقویت آگاهی های عمومی و شفافیت اقتصادی و اجتماعی می شوند. در این شرایط صاحبان کسب و کار قدرت لازم برای نقد سیاست های نادرست و مقابله با تغییرات نابجا در قوانین را دارند و به این ترتیب وضعیت آزادی حقوق بشر موجب توسعه روز افزون تر خواهد شد (شاگری و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۵) از این منظر وضعیت در مالزی طبق قانون اساسی در خصوص آزادی بیان اینگونه تشریح شده است: هر شهروند حق آزادی بیان دارد که به وسیله بند ۱ اصل ۱۰ تضمین می شود ولی این حق مطلق نیست؛ این حق به موجب بند ۲ اصل ۱۰ که به پارلمان اجازه می دهد؛ محدودیت هایی را که به نظر ضروری یا برای رسیدن به اهداف گوناگون مصلحت می داند؛ نسبت به این حق اعمال کند. مهم ترین عناوین این محدودیت ها عبارتند از: امنیت ملی، نظم عمومی یا اخلاق، توهین به دادگاه، افترا و تشویق به ارتکاب جرم (غفاری، ۱۳۹۶: ۶۰۴). از همین رو پیش از انتخابات ماه می سال ۲۰۱۸ در مالزی، برگزاری تظاهرات و تجمعات مخالفان در مراکز اصلی شهرهای بزرگ از جمله در میدان استقلال کوالالامپور به داغ شدن تحولات سیاسی مالزی منجر شده بود. دولت مالزی براساس قانونی که در پارلمان تصویب شد برگزاری هر گونه تظاهرات و تجمع های اعتراضی را در

خیابان ها، مراکز گردشگری، مدارس و دانشگاه ها را ممنوع اعلام و تاکید کرد مخالفان فقط می توانند در ورزشگاه ها و یا فضای سرپسته و با یک ماه اعلام قبلی تجمع برگزار کنند؛ که مخالفان آن را نشانه محدود کردن فعالیتهای مدنی و سیاسی در مالزی تلقی کرده اند (وقاری، ۱۳۹۷). از سطوح دیگر نیز قانون اساسی مالزی اگر چه مدعی هست که سایر قوانین عادی حقوق و آزادی های بنیادین را برای اقلیت ها به رسمیت شناخته اند؛ لیکن این به معنی برابری کامل مسلمانان و اقلیت های مذهبی در برخورداری از حقوق یکسان نیست و با عنایت به جایگاه اسلام به عنوان دین رسمی در این کشور، اقلیت های مذهبی باید محدودیت هایی را در اعمال حق آزادی ابراز عقیده خود پذیرا باشند؛ به عنوان مثال مطابق بند ۴ اصل ۱۱ قانون اساسی مالزی، قوانین ایالتی می توانند انتشار اصول مذاهب مختلف را در میان مسلمان محدود کنند؛ اما در عین حال مسلمانان حق دارند که اصول مذهبی خود را در میان غیر مسلمانان تبلیغ کرده و آنها را به پذیرش این آیین دعوت نمایند؛ همچنین بند ۴ اصل ۱۰ قانون اساسی مالزی به پارلمان اجازه می دهد که قواعدی را وضع کند که هر گونه پرسش را از موضوع هایی که به زبان، جایگاه خاص مالایی ها و بومیان و امتیازات ویژه حکومتی و صلاحیت و قلمرو قدرت پادشاه اختصاص دارد، ممنوع نماید. بنابراین اقلیت های غیر مسلمان در مالزی حق به چالش کشیدن و اعتراض به جایگاه خاص مالایی ها و امتیازات ویژه حکومتی پادشاهان که آنها نیز باید از بین مالایی های مسلمان انتخاب شوند را ندارند؛ امری که با اصل برابری شهروندان در مقابل قانون و جوهر ذاتی اصل آزادی بیان سازگاری ندارد (غفاری، ۱۳۹۶: ۶۰۴) بنابراین با توجه به پارلمانی بودن نظام حاکم بر مالزی و اینکه دولت خود برخاسته از درون پارلمان است؛ تفسیر حد و آزادی بیان و اطلاعات همواره به نفع دولت و در راستای اهداف و سیاست های آن بوده است (قنبری باغستان، ۱۳۹۳: ۱۸۳) از همین رو در مالزی امنیت و ثبات مقدم بر دموکراسی است و.. اما نمی توان کاملاً به آن برچسب یک دولت دیکتاتور و یا دولتی که موجب ضایع شدن نوآوری و حقوق مالکیت را می شود چسباند؛ چرا که در مالزی انتخابات برگزار می گردد؛ دولتمردان، بدون کودتا و خود خواسته از قدرت کنار می روند؛ بنابراین رژیم سیاسی در مالزی نه کاملاً دموکراتیک هست و نه کاملاً استبدادی (شیرزادی، ۱۳۸۹: ۱۷۶) و به طور کلی دولت در آسیای جنوب شرقی از لحاظ مداخلات چنین است، مداخله بهتر دولت و نه مداخله بیشتر (رفیع و بلباسی، ۱۳۹۱: ۸۷).

۳-۴: عدم استقلال رسانه ها:

نقش رسانه های آزاد در قدرت دهی به بخش عظیمی از جامعه قابل انکار نیست در حقیقت نهادهای سیاسی فراگیر و دموکراتیک به رسانه های آزاد اجازه رشد می دهند و رسانه های آزاد نیز متقابلاً موجب شناسایی و خنثی سازی تهدید هایی می شوند که متوجه نهادهای اقتصادی و سیاسی می شوند و مردم را علیه خطرات بسیج می کنند (رابینسون و اوغلو، ۱۳۹۵: ۳۹۴-۳۹۵) از این منظر در حال حاضر بیش از ۴۰ روزنامه چاپی به ۴ زبان مختلف به صورت روزانه در مالزی منتشر می شوند که یا در انحصار و یا در کنترل دولت می باشند؛ در خصوص رسانه های دیداری و تصویری تقریباً تمام شبکه های رادیویی و تلویزیونی این کشور در انحصار دولت و شرکت های وابسته به آن قرار دارند؛ و تنها راه ابراز بیان از سوی نیروهای مخالف دولت، روزنامه نگاری آنلاین و یا شبکه های اجتماعی می باشند؛ در حقیقت با توجه به مالکیت و کنترل دولت بر رسانه های جمعی، رسانه های اجتماعی به عنوان رسانه های آلترناتیو مورد توجه جامعه جوان با هدف تبادل آزاد اطلاعات و ارتباطات قرار گرفته اند (قنبری باغستان، ۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۸) بنابراین در مالزی نقشی هم که دولت ها پیوسته برای رسانه ها و ارتباطات در توسعه متصور بوده اند؛ یک نقش هنجاری است؛ یعنی آنچه باید باشند، نه آنچه می توانند باشند (قنبری باغستان، ۱۳۹۳: ۱۸۲) لذا در مالزی سیاست های حزب حاکم از بدو استقلال بدین گونه بوده است که جناح های مخالف کمتر سهمی از رسانه های جریان اصلی در جریان رقابت های انتخابات پارلمانی نداشته باشند؛ متاثر از همین ابزار قدرتمند و انحصاری؛ حزب آمو توانسته بود سالیان متمادی در مسند قدرت باقی بماند؛ اما تحولات ماه می ۲۰۱۸ که ماهاتیر محمد آن را مادر همه انتخابات نامید؛ تمام ابزار قدرت حزب آمو را به چالش کشید؛ در حقیقت همانند ادوار گذشته یک شب قبل از روز برگزاری انتخابات سراسری مالزی، رهبر جناح حاکم این فرصت را داشت که از طریق رسانه انحصاری با مردم گفت و گو و از آنها برای مشارکت گسترده در این عرصه سیاسی دعوت کردند؛ چیزی که «نجیب تون رزاق» نخست وزیر وقت با استفاده از شبکه تلویزیونی ملی، آخرین پیام خود را خطاب به مردم اظهار کرد، اما «ماهاتیر محمد» رهبر مخالفان دولت با استفاده از قابلیت پخش برنامه زنده از طریق شبکه های اجتماعی، که به گونه ای رسانه های غیر رسمی در مالزی محسوب می شوند همزمان با «نجیب» پیام سیاسی اش را به جمعیت ۱۵ میلیونی رأی دهنده مالزی رساند. علیرغم این انحصار و قبض و بسط

سنتی رسانه ها در دست دولت؛ جریان رقابت های چهاردهمین انتخابات سراسری این کشور؛ به گونه ای رقم خورد که به دلیل افزایش جمعیت استفاده کنندگان از اینترنت طی این سالها، برای جناح سیاسی که به اجبار سهم بسیار کمی از رسانه های سنتی را برخوردار بود، خبر خوبی تلقی می شد تا امیدوار باشد پیام هایش به جمعیت گسترده تری برسد. در حقیقت ائتلاف پاکاتان هاراپان (امید) به رهبری ماهاتیر محمد که پیروز انتخابات اخیر می ۲۰۱۸ بود؛ به خوبی توانست از این ظرفیت در چهاردهمین انتخابات سراسری استفاده کند. به این ترتیب اگر تسلط بر رسانه های جریان اصلی از رازهای ماندگاری ائتلاف محافظه کار «جبهه ملی» در قدرت بود، اما شبکه های اجتماعی که از آن به عنوان رقیب رسانه های جریان اصلی یاد می شود، زمینه شکست حضور ۶۰ ساله «جبهه ملی» را در قدرت به گونه ای شگفت آفرین فراهم ساخت (ایرنا، ۱۳۹۷) در یک سال اخیر با ورود ماهاتیر محمد به عرصه سیاسی، شبکه های اجتماعی در مالزی اهمیت بیشتری یافته و ماهاتیر محمد توانسته بود با دو میلیون و پانصد هزار عضو یکی از مهمترین کانال های شبکه های اجتماعی را در اختیار بگیرد و نجیب تون رزاق، نخست وزیر اسبق مالزی نیز با بیش از سه میلیون عضو در شبکه های اجتماعی حضور فعال داشت؛ اما چیزی که "خیرالازوان هارون" معاون جوانان حزب حاکم آمو پیش تر در زمینه ارزیابی از تاثیر شبکه های اجتماعی بر نتیجه انتخابات پارلمانی مالزی و بهره برداری مخالفان از آن هشدار داده بود به ثمره ظهور نشست به طوری که وی هشدار داده بود: در صورتی که حزب آمو در کوتاه ترین زمان ممکن به اتهامات مخالفان در شبکه های اجتماعی پاسخ ندهد؛ در انتخابات آتی شکست خواهد خورد (The Straits Times, 2018)

۴-۴: توزیع قدرت نابرابر مابین احزاب و عدم شفافیت منابع مالی رقابت های انتخاباتی:

در کشورهایی همانند مالزی که بر پایه نظام پارلمانی تعریف شده است؛ مجلس از اهمیتی اساسی در ساختار قدرت، حکومت و تشکیل کابینه برخوردار بوده و در واقع دروازه ای برای دستیابی به مسند قدرت از جمله وزارتخانه ها می باشد. از همین حیث احزاب سیاسی، برای مرتبط ساختن شهروندان با نخبگان در مجالس و پارلمان ها از اهمیت وافری برخوردارند (خلیلی و دانشمندی، ۱۳۹۱: ۹۳) چرا که ابزار اصلی دسترسی به ساختار قدرت می باشند. هرچند طبق قانون انتخابات مالزی، انتخاب نخست وزیر از میان نمایندگان مجلس در اختیار پادشاه است اما عملاً رئیس

حزب حاکم یا بزرگترین حزب ائتلاف حاکم، بعنوان نخست وزیر منصوب می گردد. با این حال یکی از ویژگی های کشور مالزی وجود احزاب سیاسی متعدد و برگزاری انتخابات بر اساس مبارزات حزبی است. در این کشور حدود ۴۰ حزب در صحنه سیاسی و انتخابات فعال می باشند (سایت سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در مالزی، بی تا). بر همین اساس، رهبران مالزی اعلام می دارند که در مالزی نظام دموکراسی پارلمانی مبتنی بر وجود احزاب متعدد اجرا می شود و این ویژگی را به طور عمده به تاریخ مبارزات حزبی و پارلمانی در طول چند دهه پس از استقلال مالزی نسبت می دهند و از طرفی این موارد را نمودی از میزان توسعه نهادهای سیاسی و مشارکت سیاسی مردم متصور می شوند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۹۰: ۱۱۳) با این حال قدرتمندترین حزب موجود یعنی جبهه متحد ملی است. این سازمان سیاسی در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد و به قویترین جریان سیاسی در طول سال های کسب استقلال و پس از آن تبدیل گردیده است. بعد از حزب آمو، حزب اسلامی مالزی یا پاس (PAS) بیشترین نفوذ را میان مسلمانان ملایو بخصوص در شمال مالزی دارد علاوه بر این حزب عدالت مردم (PKR) به رهبری انور ابراهیم و حزب چینی تبار عمل دموکراتیک (DAP) نیز از جمله احزاب مهم دیگر و فعال در مالزی می باشند؛ علیرغم اینکه دولتمردان مالزی عنوان می کنند که رقابت حزبی در این کشور نمودی از توسعه سیاسی است؛ اما مهمترین ائتلاف حزبی مالزی که ائتلافی متشکل از ۱۴ حزب تحت عنوان اتحادیه جبهه ملی (Barisan Nasional) می باشد از ابتدای استقلال تا سال ۲۰۱۸ همواره قدرت را در دست داشته است؛ که این امر خود معلول عواملی زیادی بوده است از جمله منابع و قدرت نابرابر که بین احزاب توزیع شده است به طوری که مسئولان حزب آمو به عنوان مهمترین حزب عضو ائتلاف حاکم همیشه بیشترین و با اهمیت ترین پست های کابینه را به خود اختصاص داده اند. در زمان حاضر تمامی شبکه های رادیو و تلویزیون این کشور یا در اختیار سازمان دولتی رادیو و تلویزیون مالزی است یا در اختیار سازمان رسانه ای مدیا پریم است که به عنوان غول رسانه ای و امپراتور رسانه ای مالزی نیز مشهور است. این شرکت نیز در مالکیت حزب مالایی آمو است و رئیس این شرکت به طور مستقیم توسط این حزب انتخاب می شود (قبرری باغستان، ۱۳۹۳: ۱۸۴) بنابراین اگر ائتلاف حاکم باریسان نشنال که متشکل از ۳ حزب مالایی آمو، حزب چینی تبار MCA، و حزب هندو تبار MAC، که تا پیش از انتخابات سال ۲۰۱۸ همواره در مسند قدرت بوده اند، را از نظر مالکیشان بر

رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی مالزی بررسی نمایم؛ می توان نتیجه گرفت که بیش از ۹۰ درصد وسایل ارتباط جمعی و فضای رسانه ای و مطبوعاتی این کشور همچنان در اختیار کامل این حزب قرار دارد؛ این در حالی است که سایر احزاب به هیچ عنوان از چنین منابعی برخوردار نمی باشند (قبرری باغستان، ۱۳۹۳: ۱۸۷) علاوه بر مورد مذکور، شفاف نبودن کمک ها و حمایت های مالی احزاب از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی نیز به پیچیده شدن این مورد می افزاید؛ به طوری که تان سری رازالی اسماعیل، رئیس «کمیسیون ملی حقوق بشر مالزی» در مراسم رونمایی از انتشار گزارش منطقه ای «دموکراسی در جنوب شرق آسیا: دستاوردها، چالش ها و چشم انداز»، اذعان می نماید که واضح نبودن منابع مالی احزاب سیاسی و... از جمله موانع اعمال دموکراسی در مالزی به حساب می آیند (ایرنا، ۱۳۹۷). (The Kofi Annan Foundation, 2017: 33) این موضوع از آنجا اهمیت پیدا می کند که نجیب رزاق، نخست وزیر سابق مالزی در سال ۲۰۱۳ متهم به دریافت رشوه شده است در همین چارچوب و در ماه اوت ۲۰۱۶ روزنامه بریتانیایی گاردین نوشت که نجیب رزاق نخست وزیر مالزی مارس ۲۰۱۳ پاداشی به ارزش ۶۸۱ میلیون دلار از عربستان دریافت کرد و از سال ۲۰۱۵ با اتهام فساد مالی مواجه است گزارش گاردین حاکی از این است؛ زمانی که از عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان در کنفرانس سران کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی در استانبول پرسیده می شود که آیا از بخشش اعطایی به نجیب رزاق مطلع است یا نه؟. الجبیر می گوید: بله. مبلغ اعطایی فقط یک بخشش بود (The Guardian, 2016)

۵-۴: آسیب پذیری سیستم قضایی:

از جمله فاکتورهای موثر بر توسعه، اطمینان به نهادهای سیاسی و حاکمیت قانون می باشد؛ حاکمیت قانون معرف میزان احترام عمل قائل شده توسط شهروندان و دولت مردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده اند. بنا بر این تعریف، زمانی می توان ادعا کرد که در یک جامعه قانون حاکم است که سه شرط حداقلی تامین شده باشد؛ شرط اول حمایت از افراد در مقابل دزدی، خشونت و دیگر اقدام های غارتگری است. شرط دوم حمایت در مقابل اقدام های خودسرانه دولتی است که فعالیت های اقتصادی را مختل می کند و شرط سوم وجود نظام قضایی قابل پیش بینی و منصف است (برادران

شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷: ۱۰) با این حساب، قوه قضائیه در مالزی یکی از قوای سه گانه حکومتی در این کشور است که مجزا و مستقل از دو قوه دیگر یعنی اجرایی و تقنینی تعریف شده است و کارکرد اصلی آن نیز تضمین اجرای قانون اساسی و تحقق عدالت بر اساس قوانین حاکم بر کشور است؛ این قوه، بعنوان نظام حقوقی شناخته می شود و اعضای آن شامل قضات و دادرسان می باشند که معمولاً توسط رئیس کشور (پادشاه) منصوب می گردند. طبق قانون اساسی مالزی، «رئیس القضاة» بر اساس پیشنهاد و توصیه نخست وزیر و پس از بررسی در شورای سلطنتی مالزی توسط پادشاه (رئیس کشور) انتخاب می شود. ساختار دادگاه ها در مالزی نیز به دو بخش یعنی دادگاه برتر (Superior Court) و دادگاه تابعه (Subordinate Court) تقسیم می شوند. عالی ترین دادگاه در مالزی، دادگاه فدرال است که پس از آن دادگاه تجدید نظر، دادگاه عالی مالایا، دادگاه عالی صباح و ساراواک قرار دارند (سایت سفارتخانه جمهوری اسلامی ایران در مالزی، بی تا) انتصاب قضات این دادگاه نیز با پیشنهاد نخست وزیر از سوی پادشاه صورت می گیرد؛ بنابراین با توجه به اینکه پیشنهادات نصب قضات این دادگاه توسط نخست وزیر صورت می گیرد؛ و با توجه به موقعیت نخست وزیر در ریاست حکومت و کابینه و از سوی دیگر عضویت در مجلس نمایندگان و ریاست حزب اکثریت این مجلس، این روزنه وجود دارد که در رسیدگی قضائی اعمال نفوذ نماید (غفاری، ۱۳۹۹: ۱۲۸-۱۲۹) مصداق واقعی این نفوذ بعد از انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۸ به شکل واضحی قابل مشاهده است؛ در همین چارچوب یکی از وعده های انتخاباتی ماهاتیر محمد پیش از رسیدن به قدرت در سال ۲۰۱۸ کمک به عفو انور ابراهیم، سناتور برجسته مالزیایی بود که از سال ۱۹۹۸ تا کنون به دلیل اتهامات مختلف در زندان به سر می برد (یورونیوز فارسی، ۲۰۱۸)؛ فارغ از رد یا صحت اتهامات وارد شده، به محض پیروزی ائتلاف ماهاتیر محمد در انتخابات سال ۲۰۱۸، وی با اعمال نفوذ توانست موافقت پادشاه مالزی را در عفو کامل "انور ابراهیم"، کسب نماید؛ عفو کامل به این معنی که او نه تنها عفو می شود بلکه بلافاصله آزاد شده و می تواند در سیاست مشارکت کند؛ در همین ارتباط نیز بنیاد هریتیج در گزارش سال ۲۰۱۷ خود در مورد مالزی اذعان دارد که آسیب پذیری سیستم قضایی در برابر نفوذ سیاسی، چالش مهمی را برای حاکمیت قانون موثر و حقیقی ایجاد می کند به طوری که استقلال قضایی با نفوذ اجرایی شدید مواجه شده است و حکم های دلخواهانه یا محرمانه سیاسی معمول است (The Heritage Foundation, 2017).

مبتنی بر همین مستندات در محافل جهانی از مالزی و سایر کشورهایی با خصیصه و کارا کترهای مزبور تحت عنوان دموکراسی ناقص یاد می کنند؛ یعنی کشوری که در حکومت داری اگر چه دارای انتخابات آزاد و مستقل است اما با نقص هایی همراه است. این کشورها در زمینه مشارکت و فرهنگ سیاسی، آزادی های مدنی شهروندان و رسانه ها و مطبوعات و.. با چالش هایی روبرو هستند. عملکرد دولت در این کشورها نسبت به کشورهای با دموکراسی کامل ضعیف تر است (The Economist Intelligence Unit, 2017).

نتیجه گیری

اگر چه مالزی مراحل نهایی صنعتی شدن را طی می کند؛ اما با کمی مدارا می توان آن در جرگه کشورهای تازه صنعتی شده قرار داد؛ به طوری که مالزی در حال حاضر یکی از رقابت پذیرترین اقتصادهای جهانی با رنکینگ ۲۵ است؛ اقتصادی که پیوسته و با سرعت هرچه تمام تر بسوی توسعه اقتصاد بازار آزاد در حال حرکت می باشد و از حیث شاخص آزاد سازی اقتصادی حائز رتبه ۲۲ دنیا است. کارشناسان اقتصادی نیز بر این باورند؛ مالزی یکی از موفق ترین کشورهای جهان در زمینه طراحی و اجرای برنامه های توسعه اقتصادی است به طوری که هم اکنون تولید ناخالص داخلی آن از مرز ۲۹۶.۲ میلیارد دلار عبور کرده است؛ صادرات این کشور سالانه به ۲۰۰ میلیارد دلار می رسد؛ مالزی از کشور مبتنی بر صادرات قلع، فلز و روغن نخل در دهه ۶۰ به کشوری تبدیل شده که نه تنها صادرات محصولات الکترونیکی و صنعتی، از پشتوانه های مهم اقتصاد این کشور بشمار می آید بلکه هم اکنون از بزرگترین صادرکنندگان نیمه هادی در جهان است و قطب ICT جنوب شرق آسیا محسوب می شود؛ در محافل اقتصاد بین الملل، برنامه خصوصی سازی مالزی را یکی از موفق ترین برنامه های خصوصی سازی عنوان می کنند. اما موفقیت های مالزی تنها در عرصه اقتصادی خلاصه نمی شود؛ بلکه مالزی در عرصه سیاست بین الملل نیز موفقیت چشمگیری را کسب کرده که موجب افزایش پرستیژ بین المللی این کشور شده است به طوری که مالزی تا کنون ۴ بار کرسی غیر دائم شورای امنیت را کسب کرده است؛ پیشرفت های مالزی علاوه بر بخش های مذکور به سایر بخش های داخلی این کشور نیز رسوخ کرده به طوری که سرانه درآمد، بهداشت، کیفیت زندگی، کیفیت و کمیت آموزش نیروی انسانی و... در مالزی از جایگاه خوبی برخوردار است و حتی به حیث فرهنگی دولت سعی نموده است راهبرد تنوع فرهنگی را در پیش گیرد؛ برای نمونه می توان به ۱۶ مورد از تعطیلات رسمی

و جشن های مالزی که نشان گر تعادلی میان مذهب و ملیت و تاریخ اختصاصی مالزیایی است نگاه کرد که شامل ۵ روز ملی، روز تولد پادشاه، جشن دایاک، جشن کادازان و روز کارگر، به همراه ۵ روز مذهبی عید فطر، عید قربان، مسابقات بین المللی قرائت قرآن، میلاد پیامبر، اول محرم، و نیز دو روز مختص چینی ها یعنی سال چینی به همراه سه روز وساک (جشن بودایی)، جشن چراغ ها (جشن هندوان)، و تایوسام و یک روز تعطیلی مرتبط با مسیحیان است؛ این پیشرفت های عظیم حاصل سیاست ورزی نخبگان مالزی است که می کوشند در پایان دوره چشم انداز ۲۰۲۰، این کشور را به کشوری متحد و یکپارچه، دموکراتیک، آزاد، مسئول و مدارا، مترقی و مرفه بر پایه عدالت و برابری، و دارای قدرت رقابت، انعطاف، پویایی و استحکام .. تبدیل نمایند؛ با این حال، علیرغم تمام موفقیت های که مالزی در ابعاد مورد ذکر کسب کرده است، شواهد و مستندات وجود دارد که دستیابی به اهداف چشم انداز را به طور عام و توسعه مالزی را به طور خاص به چالش می کشد. به طوری که نتایج این پژوهش نشان داد: جامعه مالزی هنوز اقلیت های چینی و هندی را به سختی به عنوان ملت مالزی مورد پذیرش قرار می دهد؛ فرصت های سیاسی، اقتصادی، آموزشی و .. در بعضی بخش ها به صورت نابرابر مابین ملایوها و اقلیت چینی و هندی توزیع شده است. رسانه ها آزاد و مستقل نمی باشند و اکثریت رسانه ها در تمرکز دولت قرار دارند؛ منابع حزبی به صورت نابرابر و انحصارانه ای توزیع شده اند و از طرف دیگر شفافیت در زمینه نحوه تخصیص منابع احزاب از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی وجود ندارد؛ سیستم قضایی کشور آسیب پذیر است و فرضیه نفوذ از جانب دولت مردان رد نمی شود؛ آزادی های مدنی ضعیف و تحت کنترل دولت وجود دارد و در بعضی بخش ها آزادی اقلیت های چینی و هندی در مقابل ملایوها حتی پایین تر از حد معمول نیز قرار دارد؛ در کنار موارد مزبور فرضیه تنش و هرج و مرج در آینده مالزی رد نمی شود، چرا که تنوع قومی از یک سو و قدرت طلبی قوم مالایا از سوی دیگر موجب شده که همواره زمینه تنش و کشمکش بر سر قدرت هموار باشد از طرف دیگر جنگ قدرت نیز در بین دولت مردان، یعنی بین ساختار نخست وزیری و پادشاهی همواره محتمل است، به طوری که سلاطین همواره به دنبال قدرت اجرایی بیشتر بوده اند و در مقابل سایر ارکان سعی می کنند با این وضعیت مقابله کنند به طوری که در سال ۱۹۸۳ ماهاتیر محمد سعی نمود با انجام اصلاحاتی در قانون اساسی قدرت سلاطین را محدود نماید اما این دستور کار با مخالفت شدید پادشاه وقت رو به رو گردید و بحرانی معروف

به قانون اساسی را به وجود آورد. با این تفاسیر موارد مذکور به ما هشدار می دهند که اگر کشورهای همانند مالزی خواهان دستیابی به یک توسعه همه جانبه اند باید اصلاح موارد ذیل را در دستور کار قرار دهند تا به مدد موفقیت هایی که در ابعاد دیگر توسعه از جمله بخش اقتصادی کسب کرده اند در رتبه های بالاتری از طیف توسعه کشورهای جهان لحاظ شوند.

منابع

- اصغری، فیروزه و هند دوست، عطیه (۱۳۹۳) مطالعه تطبیقی وضعیت و جایگاه زنان در ایران و مالزی بر اساس شاخص نابرابری جنسیتی، **فصلنامه زن در توسعه و سیاست**، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۹۲-۷۵.
- ایمان، محمد تقی (۱۳۹۴) **فلسفه و روش تحقیق در علوم انسانی**، چاپ سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- برادران شرکاء و ملک السادات (۱۳۸۷)، تاثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشوری منتخب (۱۹۹۶-۲۰۰۵)، **فصلنامه راهبرد**، شماره ۴۹، صص ۲۷-۵۲
- برازش، مسعود (۱۳۸۹) **مالزی و سنگاپور**، مشهد: نشر آفتاب هشتم.
- جوان، جعفر (۱۳۹۷) ژئوپلیتیک و توسعه، جزوه درس ژئوپلیتیک و توسعه دوره دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، منتشر نشده.
- حیدری چپانه، رحیم و کرمی، سونیا (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی شاخص های توسعه ی انسانی ایران، مالزی و ترکیه با تأکید بر شاخص اقتصادی در دهه ی اخیر (۲۰۱۳ - ۲۰۰۴)، **مجله اقتصادی**، سال ۱۵، شماره ۱ و ۲، صص ۵-۲۱.
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۷) نقش شبکه های اجتماعی در پیروزی ماهاتیر محمد، مقاله، وب سایت خبرگزاری ایرنا، منتشر شده در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: <http://www.irna.ir/fa/News/82915211>
- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۷) کشورهای جنوب شرق آسیا نیازمند توسعه دموکراسی هستند، مقاله، وب سایت خبرگزاری ایرنا، منتشر شده در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: www.irna.ir/fa/News/82896130
- خلیلی، محسن و دانشمندی، رضا (۱۳۹۱) نگاهی به مدل دولت/ ملت سازی در مالزی، **فصلنامه مطالعات جهان اسلام**، سال اول، شماره اول، صص ۸۵-۱۲۴.
- خواجه سروی، غلامرضا، رسولی، امیرابراهیم (۱۳۹۸) مقایسه نقش ثبات سیاسی در الگوی توسعه مالزی و ترکیه با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین المللی**، شماره ۳۸، صص ۱۰۰-۷۳.
- دهقان، تورج و محنت فر، یوسف (۱۳۹۴) بررسی مکتب نهادگرایی در سیر اندیشه های اقتصادی، **مجله اقتصادی**، سال ششم، شماره های ۵۵ و ۵۶.

- ذاکر صالحی، غلامرضا (۱۳۹۱) آموزش فنی و حرفه ای عالی مالزی: تحولات و چشم اندازها، مجله **نامه آموزش عالی**، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۹۵-۱۲۶.
- رفیع، حسین و بلباسی، میثم (۱۳۹۱) چگونگی توسعه در مالزی نوین (با رویکردی بر نظریه دولت توسعه گرای آدریان لفت ویچ)، **مجله پژوهش های سیاسی جهان اسلام**، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۱-۱۰۲.
- رمضانی باصری، عباس و میرفردی، اصغر (۱۳۹۳) تبیین نهاد گرایی و گرایش آن به توسعه، **مجله اقتصادی**، سال چهاردهم، شماره های ۳ و ۴، صص ۱۲۱-۱۳۸
- رنجکش، محمد جواد و کشاورز، حمید و اصغری ثانی، حسین (۱۳۹۲) نظریه های توسعه در آمریکای لاتین پس از جنگ سرد، **فصلنامه مطالعات سیاسی-اجتماعی جهان**، دوره سوم، شماره ۲، صص ۳۴۹-۳۷۹.
- زاهدی، محمد جواد (۱۳۸۵) **توسعه و نابرابری**، چاپ دوم، تهران: انتشارات مازیار
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۹۰) **مالزی**، تهران: انتشارات زیتون سبز.
- سایت سفارتخانه ایران در مالزی (بی تا) درباره مالزی، قابل دسترسی در : <http://kualalumpur.mfa.ir>
- شاکری، محبوبه و همکاران (۱۳۹۴) ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، **فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی**، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۹۳-۱۰۶.
- شیرزادی، رضا، (۱۳۸۹)، دولت و توسعه سیاسی در مالزی، **مجله مطالعات سیاسی**، سال سوم، شماره نهم، صص ۱۵۳-۱۷۹.
- **مجله تازه های اقتصادی** (۱۳۶۸) برنامه ریزی اقتصادی: استراتژی توسعه مالزی، سال اول، شماره اول، صص ۳۶-۳۹.
- فاضلی، محمد و محمودیان، معصومه (۱۳۹۵) تحول نقش دولت در صنعتی شدن: بررسی تطبیقی-تاریخی ایران و مالزی، دو فصلنامه **جامعه شناسی اقتصادی و توسعه**، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۱۵-۱۴۵.
- قنبری باغستانی، عباس (۱۳۹۳) نقش ارتباطات در توسعه مالزی: پیشینه تاریخی، نظام حقوقی و چشم انداز آتی، فصلنامه **انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۱۷۳-۱۹۵.
- عجم اوغلو، دارون و رایبسون، جیمز. ای (۱۳۹۵) **چرا کشورها شکست می خورند**، ترجمه: پویا جبل عاملی و محمد رضا فرهادی پور، چاپ هفتم، تهران: انتشارات تدبیر اقتصاد.

- عیسی زاده، سعید و احمد زاده، اکبر (۱۳۸۸) بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تاکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین کشورهای برای دوره ۱۹۹۶-۲۰۰۵)، **مجله پژوهش های اقتصادی ایران**، سال سیزدهم، شماره ۴۰، صص ۱-۲۸.
- عیوضی، محمد رحیم (۱۳۸۳) تأملاتی در طرح بحث انسان؛ موضوع توسعه، فصلنامه **راهبرد توسعه**، سال اول، شماره اول، صص ۱۹۱-۲۱۰.
- غفاری، هدی (۱۳۹۶) جایگاه حقوق شهروندی در نظام حقوقی کشور مالزی، **فصلنامه مدیریت شهری**، سال شانزدهم، شماره ۴۷، صص ۵۶۹-۵۹۴.
- غفاری، هدی و افشاری، فاطمه (۱۳۹۵) آسیب شناسی نظام عدم تمرکز در مالزی با رویکرد تطبیقی به نظام انگلستان، **فصلنامه دولت پژوهی**، سال دوم، شماره ۶، صص ۹۸-۱۳۳.
- غفوری، محمد (۱۳۸۲)، اصول ثابت توسعه و عوامل بازدارنده آن، **مجله رهیافت های سیاسی و بین المللی**، سال چهارم، صص ۱۵۷-۱۸۸.
- کچویان، حسین (۱۳۸۳) گفتمان توسعه: سرابی ویرانگر، فصلنامه **راهبرد توسعه**، سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- کلائی، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۴) تحلیلی از انگاره های فلسفی اقتصاد نهادی قدیم و دلالت های آن در حوزه اخلاق، **فصلنامه برنامه ریزی و بودجه**، سال بیستم، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- مرادی حقیقی، فائزه و موثقی گیلانی، احمد (۱۳۹۴) کارکرد اجتماعی و فرهنگی مذهب در توسعه اقتصادی مالزی، **مجله مطالعات روابط بین الملل**، شماره ۳۱، صص ۶۹-۹۶.
- مسایلی، محمود (۱۳۷۵) **مالزی**، تهران: انتشارات وزات امور خارجه.
- میزگرد علمی اساتید فصلنامه راهبرد توسعه (۱۳۸۳) عامل توسعه چیست؟ هدف توسعه کدام است؟، **فصلنامه راهبرد توسعه**، سال اول، شماره سوم، صص ۹-۵۰.
- میزگرد علمی اساتید فصلنامه راهبرد توسعه (۱۳۸۳) توسعه چیست؟ آیا توسعه دینی امکان پذیر است؟، **فصلنامه راهبرد توسعه**، سال اول، شماره دوم، صص ۹-۶۴.
- **نامه اتاق بازرگانی** (۱۳۸۰) وضعیت صنعت و شرکت های تولیدی و بازرگانی در مالزی، شماره ۴۰۲، صص ۱۸-۲۱.
- **نامه اتاق بازرگانی** (۱۳۹۳) ماهاتیر محمد با مالزی چه کرد؟ سال ۸۵، شماره ۹۱.
- ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰) بررسی تاثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده های تابلویی پویا، **مجله مدل سازی اقتصادی**، سال پنجم، شماره ۳، صص ۱-۲۴.
- وقاری، مجید (۱۳۹۷) مالزی، انتخابات و تحول سیاسی تاریخی، {یادداشت}، وب سایت خبرگذاری صدا و سیما، منتشر شده در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۷، قابل دسترسی در: <http://www.iribnews.ir/fa/news/2117253>

- هیوود، اندره (۱۳۸۷) **مفاهیم کلیدی در علم سیاست**، ترجمه: حسن سعید کلاهی و عباس کردان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- یورونیوز فارسی (۲۰۱۸). انور ابراهیم با عفو ملوکانه از زندان آزاد می‌شود، {گزارش}، وب سایت یورنیوز فارسی، منتشر شده در ۲۰۱۸/۰۵/۱۱، قابل دسترسی در:
<http://fa.euronews.com/2018/05/11/anwar-ibrahim-malesyan-opposition-leader-been-forgiven-by-king-order-sodomy>

- Noh, Abdillah(2016) Political Change and Institutional Rigidity in Malaysia: Is There a Way Out?, The Institute of Southeast Asian Studies, Working Papers, NO.2, Available in: <https://www.iseas.edu.sg/articles-commentaries/iseas-perspective/iseas-perspective-2018-2>
- The Kofi Annan Foundation (2017) Democracy in Southeast Asia: Achievements, Challenges and Prospects, Kuala Lumpur, Malaysia 2-3 September 2017, Available in: <http://www.kofiannanfoundation.org/supporting-democracy-and-elections-with-integrity/democracy-in-southeast-asia/>
- -The guardian(2016) Saudi Arabia says money sent to Malaysian PM was a 'genuine donation', Available in: <https://www.theguardian.com/world/2016/apr/15/saudi-arabia-money-malaysian-pm-najib-genuine-donation>,
- -The Heritage Foundation (2017) Reports of Economic Freedom Index for Malaysia, Available in: <https://www.heritage.org/index/country/malaysia>
- -World Economic Forum(2016) The Global Competitiveness Report 2016–2017 for Malaysia
- -The Economist Intelligence Unit(2017). The Economist Intelligence Unit's Democracy Index, Available in: <https://infographics.economist.com/2018/DemocracyIndex/>
- The Straits Times(2018) Social media war hots up as Malaysian polls inch closer, published in: Feb 19, 2018, Available in: <https://www.straitstimes.com/asia/se-asia/social-media-war-hots-up-as-malaysian-polls-inch-closer>